

## کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران برگزار شد!



کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران در روزهای ۵ و ۶ و ۷ مرداد ۱۴۰۳ برابر با ۲۶، ۲۷ و ۲۸ جولای ۲۰۲۴ در سه محل که از طریق اینترنت به هم مرتبط بودند و تعداد زیادی از اعضا و مهمانان دیگر که از طریق آنلاین در کنگره حضور داشتند، برگزار شد. در این کنگره علاوه بر نمایندگان تشکیلات داخل شهرهای ایران و جمع کثیری از اعضای حزب، هیأت هایی از جانب حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست، سازمان فدائیان اقلیت، سازمان راه کارگر، اتحاد سوسیالیستی کارگری، هسته اقلیت، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، سازمان بدیل کمونیستی عراق، سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان، سازمان زنان ۸ مارس (ایران- افغانستان) و شمار قابل توجهی از چهره های جنبش چپ و کمونیستی و کارگری و فعالین جنبش زنان ایران شرکت داشتند. کنگره با سرود انتناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد رفقای حزب که در فاصله دو کنگره جان باختند و به یاد کلیه جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد و با تصویب آیین نامه داخلی و انتخاب هیأت رئیسه دائم کار خود را پی گرفت.

به دنبال، دبیر کمیته اجرائی حزب در سخنرانی افتتاحیه به شرایط ویژه و متحول ایران در دوره انقلابی کنونی و شتاب تغییر و تحولات در خاورمیانه و جهان و مخاطرات و فرصت هایی که خلق کرده پرداخت. در این سخنرانی ضمن اشاره به رؤس ارزیابی از جنبش انقلابی ۱۴۰۱ و دستاوردهای آن بر ضرورت فراهم آوردن ملزومات پیشروی و پیروزی این جنبش تاکید شد. در این سخنان علاوه بر اشاره به بحران های فراگیر و عمیق اقتصادی و اجتماعی و ژئوپلیتیکی که رژیم را در چنگ خود می فشارند، خاطر نشان گردید که پیامدهای جنبش انقلابی ژینا بحران حکومتی و نزاع جناح های درون رژیم اسلامی را تشدید کرده و انتصاب پزشکیان نه تنها به حل این بحران کمکی نمی کند بلکه با تعمیق



پیام نیروهای سیاسی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران



## جهان پر آشوب و بدیل رهائی!

### سرگیجه سیاسی!

## ترور اسماعیل هنیه و تنگناهای جمهوری اسلامی

در برابر حکومت اسلامی سرمایه داران، پرچم سرخ

مبارزه برای سوسیالیسم را برافرازیم



آن موقعیت رژیم در برابر جنبش های اجتماعی و اعتراضی در جامعه را شکننده تر خواهد کرد. انتصاب پزشکيان برای جمهوری اسلامی فرصت تجدید قوا نیست. برخلاف مواضع شکست طلبانه بخش هایی از اپوزیسیون بورژوازی که گویا جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی شکست خورده، مبارزه برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی ادامه دارد و امروز دوره استفاده از فرصت های موجود و ایجاد فرصت های جدید برای تعرض به پایه های حاکمیت جمهوری اسلامی است. در همین راستا به جایگاه بسیج سوسیالیستی طبقه کارگر و اهمیت اعتصابات کارگری در مراکز کلیدی تولید و خدمات با تلفیق خواسته های اقتصادی و سیاسی تاکید شد. در پی آن نمایندگان هیأت های حاضر از جانب احزاب و سازمانها، چهره های شناخته شده جنبش کارگری و کمونیستی و شخصیت های سیاسی پیامهای خود را قرائت کردند که با استقبال گرم شرکت کنندگان در کنگره روبرو شدند.

در دستور جلسه مربوط اوضاع سیاسی جهان و خاورمیانه، بحران فراگیر و ساختاری نظام سرمایه داری که همه حوزه های اقتصادی در سراسر جهان را در بر گرفته و تلاش دولت ها و قدرتهای سرمایه داری برای کنترل این بحران و تشدید بحران های ژئوپلیتیکی مورد بحث قرار گرفت. همزمانی تشدید این بحران ها با افول نقش رهبری آمریکا بر جهان و پیامدهای آن، تداوم جنگ امپریالیستی در اوکراین و نسل کشی دولت اسرائیل علیه ملت فلسطین، مختصات دوره گذار کنونی به سوی تثبیت جهان چند قطبی از دیگر محورهای بحث در این زمینه بودند. این بحرانها و اوضاع پر تلاطم جهان همزمان زمینه رشد دو پدیده اجتماعی و گرایش کاملا متضاد را فراهم آورده است. از یک سو شاهد رشد و تحرک جریان های راست افراطی و نئو فاشیستی که در غیاب یک بدیل قدرتمند رادیکال و سوسیالیستی توانسته اند خشم و اعتراض برانگیخته شده بخش هایی از جامعه علیه وضع موجود را به بیراهه برده و علیه جناح چپ جامعه و مهاجران و پناهجویان معطوف کنند. از سوی دیگر شاهد تحرک جدید طبقه کارگر در آمریکا، رشد مبارزات کارگری در اروپا، آفریقای جنوبی، آمریکای لاتین، هند و ... در همانحال رشد جنبش های پیشرو اجتماعی علیه تبعیض های نژادی و جنسیتی، علیه جنگ و نسل کشی و در دفاع از محیط زیست هستیم. بر بستر این تحرک اجتماعی شکل گیری یک نیروی چپ اجتماعی با گرایش ضد سرمایه داری که در تمام این جنبش های اجتماعی حضور دارد و خود را با بدیل سوسیالیستی علیه وضع موجود تداوی می کند به یک واقعیت عینی تبدیل شده است.

در مبحث مربوط به اوضاع سیاسی ایران بطور مشخص تر به موقعیت طبقات و اقشار مختلف اجتماعی در اوضاع کنونی ایران پرداخته شد و موقعیت جنبش های اجتماعی مانند جنبش زنان، جنبش کارگری، جنبش

دانشجویی، جنبش انقلابی کردستان و جایگاه جنبش دفاع از محیط زیست مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در بخشی از این مباحث تاکید شد که اگر زنان نقش پیشتازی در جنبش انقلابی زینا ایفا کرده و در همه عرصه های فعالیت اجتماعی و جنبش های اعتراضی حضور فعالی دارند، این پدیده ریشه در تحولات اقتصادی و اجتماعی عمیق تری دارند. در طی بیش از سه دهه گذشته زنان به هر میزان که توانسته اند نظام آپارتاید جنسیتی حاکم بر جامعه را به عقب برانند و خود را از کار در کنج خانه رها کرده و به بازار کار غیر رسمی و تحصیلات عالی راه یابند، به همین میزان خود



را در موقعیت بهتری جهت به چالش کشیدن فرهنگ پوسیده مردسالارانه و قوانین زن ستیزانه رژیم جمهوری اسلامی قرار داده اند. رشد و پیشروی جنبش کارگری ایران نیز که امروز آن را به یکی از پُر اعتصاب و پُر اعتراض ترین جنبش های کارگری جهان تبدیل کرده ریشه در رشد و گسترش سرمایه داری ایران، افزایش عظیم جمعیت کارگران و چند برابر شدن جمعیت کارگران صنعتی دارد. طبقه کارگر ایران با این جنبش عظیم اعتصابی و با تکیه بر رهبران و کادرهای کاردانی که در صفوف خود پرورده کرده است فرصت آن را فراهم آورده که بر ضعف ها و کمبودهای خود در زمینه سازمانیابی غلبه کند و با بر افراشتن پرچم مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه علیه مجازات اعدام و مبارزه برای لغو حجاب اجباری رهبری مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را در دست بگیرد. در بحث پیرامون اوضاع سیاسی ایران همچنین موقعیت بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران و تلاش های آنان برای به بیراهه بردن و به شکست کشاندن جنبش انقلابی جاری مورد توجه قرار گرفت و بر ضرورت روشننگری در مورد ماهیت استراتژی سیاسی و عملکرد این جریان ها و گستراندن افق سوسیالیستی پیش روی جنبش های اجتماعی تاکید گردید.

یکی دیگر از اسنادی که از جانب کمیته مرکزی به کنگره ارائه گردید، سند اساسنامه بازبینی شده بود. این سند نیز توسط شرکت کنندگان در کنگره مورد بحث و بررسی قرار گرفت و پس از وارد کردن اصلاحاتی به تصویب رسید. در کنگره چهاردهم حزب این امکان فراهم آمد

که رفقای مهمان در کنگره دلسوزانه و با احساس مسئولیت ملاحظات انتقادی و تکمیلی خود در مورد اسناد سیاسی ارائه داده شده را مطرح نمایند و از این طریق به کنگره حزب در راستای اهدای کلیات که پیش روی خود نهاده بود یاری رسانند. کلیات این اسناد سیاسی و همچنین سند بازبینی شده اساسنامه حزب کمونیست ایران با ایجاد اصلاحاتی در آن با اکثریت قاطع آرا به تصویب کنگره رسیدند.

گزارش عملکرد ارگان های مختلف تشکیلاتی حزب و بررسی فعالیت های آنها یکی دیگر از دستور جلسات کنگره بود. در این بخش گزارش های فعالیت کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، کمیته تشکیلات خارج از کشور حزب، کمیته تشکیلات شهرها در داخل ایران، گزارش هیأت نمایندگی حزب در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، گزارش نشریه جهان امروز و سایت های اینترنتی و شبکه های اجتماعی حزب و کومه له، شبکه های تلویزیونی حزب و کومه له، گزارش دفتر روابط بین المللی و گزارش کمیسیون مالی به کنگره ارائه داده شدند. شرکت کنندگان در کنگره کمبودها و نارسائی ها را مورد بررسی و انتقاد قرار دادند و بر ضرورت ارتقاء کیفی فعالیتهای حزب در همه عرصه ها تاکید کردند.

یکی دیگر از دستور جلسات کنگره بررسی قرارها و قطعنامه های پیشنهادی به کنگره بود. در این مورد کنگره پیگیری و رسیدگی به قراردادهای پیشنهادی را به کمیته مرکزی منتخب خود واگذار کرد.

آخرین دستور جلسه کنگره انتخابات کمیته مرکزی بود که در این بخش، اعضا کنگره از میان کاندیداتورها، ۱۹ نفر را بعنوان اعضا کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران انتخاب نمود که عبارتند از رفقا: روناک آشناگر، هلمت احمدیان، روژین امینی، آرزو بیکس، رئوف پرستار، نصرت تیمورزاده، شمس خرمی، مختار دهدار، ناصر زمانی، حسن شمس، احمد عزیزپور، آرام فتاحی، آرام فرج الهی، الماس فرضی، محمد کمالی، صلاح مازوجی، صدیقه محمدی، جلال محمد نژاد، اردشیر نصراله بیگی. سرانجام کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران بعد از سه روز کار فشرده، با سخنان اختتامیه یکی از رفقای هیأت رئیسه و با سرود انترناسیونال سرود همبستگی جهانی طبقه کارگر با موفقیت به کار خود پایان داد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

مرداد ۱۴۰۳

جولای ۲۰۲۴



## پیام نیروهای سیاسی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست

توضیح: نمایندگان نیروهای زیر با شرکت در کنگره پیام دادند که متی کتبی پیام هانی را که تاکنون دریافت کرده ایم ملاحظه می کنید: حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، سازمان فدائیان اقلیت، سازمان راه کارگر، اتحاد سوسیالیستی کارگری، هسته اقلیت، سازمان بدیل کمونیستی عراق، سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان، سازمان زنان ۸ مارس (ایران - افغانستان)

### پیام حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

نمایندگان کنگره، رفقای حزب کمونیست ایران، حضار گرمی! با درودهای گرم! از جانب حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست و هیئت نمایندگی حزب، برای کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران صمیمانه آرزوی موفقیت داریم. بیشک کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران در اوضاع بسیار خطیر و حساس و پیچیده ای چه در سطح جهانی، و در منطقه و ایران برگزار میشود. بیش از هر دوره ای بربریت سرمایه داری طبقه کارگر و محرومان جامعه را در سراسر دنیا در تنگنای جدی قرار داده است. فقر و تبعیض و استثمار و پایمال شدن هر روزه حقوق اولیه انسان در ابعاد بیسابقه ای به بشریت تحمیل شده است. جنگ و تروریسم دولتی و غیر دولتی و ناامنی بخش لاینفکی از حیات امروز انسانها است. نسل کشی مردم غزه توسط تروریسم دولتی اسرائیل و جنگ سراپا ارتجاعی دولتهای روسیه و اوکراین تنها عروج نموده های بسیار دردناک قتل عام انبوه انسانها در راستای منافع قدرتها، دولتهای کاپیتالیستی و دارودسته های تروریستی ضد انسان است. در ایران مردم جان به لب رسیده در نپردی بی امان برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آینده ای به دور از استثمار و ستم و رنج و ناهنجاریهای کنونی به صحنه آمده اند. دوره جدالهای تعیین کننده بر سر سهم انسانها از آزادی و رفاه و سعادت فرا رسیده است. تحولات امروز ایران فقط بر سر سرنگونی جمهوری اسلامی نیست. بلکه بر سر شکل دادن به آینده هم هست. آنچه امروز در ایران میگذرد تعیین میکند که فردا دهها میلیون انسان چگونه خواهند زیست. شکل دادن به این آینده و تضمین رفاه و آزادی انسانها درگرو عروج آلترناتیوکارگری کمونیستی است. در جامعه ایران، جنبش کارگری کمونیستی جنبش اجتماعی و سیاسی سابقه دارو بانفوذ است. اکنون بیش از هر دوره ای در تاریخ سیاسی ایران، امید و نگاهها به نقش رهایی بخش طبقه کارگر و جنبش کارگری برای نجات جامعه از مصائب فاجعه بار حاکمیت کاپیتالیستی و جمهوری اسلامی دوخته شده است. آلترناتیو کارگری کمونیستی در قبال قدرت سیاسی در روند تحولات آتی به طور جدی از امکان پیروزی برخوردار است. در پرتو دستاوردهای چند دهه مبارزات رادیکال طبقه کارگر و کمونیستها و در بطن خیزش انقلابی دوساله اخیر بعد از قتل دولتی ژینا امینی صحنه سیاسی جامعه ایران

بشدت پولاریزه شده و صف آرای آلترناتیوهای راست و چپ شفافیت بیشتری پیدا کرده است. در این اوضاع رسالت خطیرآماده کردن آلترناتیو چپ و کمونیستی برای ایفای نقش رهبری در تحولات سیاسی ایران، اساساً بر دوش فعالین و رهبران سوسیالیست کارگری و احزاب و سازمانهای کمونیست است. در پاسخ به این نیاز حیاتی امیدواریم حزب کمونیست ایران و کنگره چهاردهم حزب گامهای لازم و ضروری را بردارد. در پایان لازمست اشاره کنیم، همکاری حزب کمونیست ایران و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در سالهای اخیر چه در سطح شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ایران ودر شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست کردستان اقدامات ضروری و مهمی بوده اند. ما بر تداوم سازنده تر این سطح از همکاریها تاکید داریم. به علاوه همکاری دو جانبه هر دو حزب چه در سطح سراسری ایران و به ویژه در جامعه کردستان میتواند به طور موثری آلترناتیو چپ و کمونیستی را برای پایان دادن به حاکمیت سرمایه و جمهوری اسلامی تقویت کند. امیدواریم هر دو حزب در این زمینه گامهای جدی تری برداریم.

از طرف حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
مرداد ۱۴۰۳ - ژوئیه ۲۰۲۴

### پیام کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

با درودهای رفیقانه  
رفقا!

برگزاری کنگره چهاردهم حزب شما با یکی از برهه های حساس اوضاع جهان، خاور میانه و ایران مصادف شده است. در جهان، بحران اقتصادی سیستم سرمایه داری مزمن شده زیرا راه حلهای برون رفت درون سیستمی تا کنونی موثر نبوده و قدرت های بزرگ سرمایه داری تحت عنوان پایان دادن به جهان تک قطبی و ایجاد یک جهان چند قطبی بسمت تقسیم مجدد مناطق نفوذ خود روی آورده اند. در صد سال گذشته، قدرتهای امپریالیستی سه بار (جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم و پایان جنگ سرد) به مصادف هم رفتند تا به قیمت کشتار میلیونها نفر رقیب خود را شکست دهند و با دستیابی به مناطق نفوذ جدید

سیاسی و اجتماعی مورد نظر آنهاست. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ناظر بر این وجه از اهداف سوسیالیست هاست. با امید به اینکه تصمیمات کنگره شما به هردو وجه فعالیت سوسیالیستها کمک کند، از دعوتتان متشکریم و برای کنگره شما آرزوی موفقیت داریم.

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری  
پنجم مرداد ۱۴۰۳ - ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۴

## پیام کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت)

با دروهای کمونیستی!

رفقای عزیز!

چهاردهمین کنگره حزبتان در شرایطی برگزار می‌شود که جمهوری اسلامی با بحران‌های عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از جمله بحران مشروعیت مواجه است. روی گردانی دست‌کم بیش از ۶۰ درصد از واجدین حق رأی - آن‌هم طبق آمار دولتی - در آخرین خیمه‌شب‌بازی انتخاباتی رژیم، عملاً مشروعیت نداشته جمهوری اسلامی را در عرصه داخلی و بین‌المللی برای همگان آشکار کرد. این وضعیت همراه با شکست حاکمیت در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تنگناهای عدیده‌ای را برای رژیم ایجاد کرده است که رهایی از آن برای هیئت حاکمه ممکن نیست. در کنار تعمیق بحران‌های درونی حاکمیت، بن‌بست اقتصادی، رشد افسارگسیخته تورم، افزایش بیکاری و کاهش واقعی دستمزدها، چنان وضعیت سخت و دشواری را برای طبقه کارگر و عموم توده‌های زحمتکش ایران رقم‌زده است که رهایی از آن جز در پرتو سرنگونی جمهوری اسلامی، براندازی نظم پوسیده سرمایه‌داری و جایگزینی آن با نظم نوین سوسیالیستی امکان‌پذیر نیست. لذا، بر بستر چنین اهدافی ست که کارگران ایران بیش از هر زمان دیگر به اعتصاب و مبارزه‌ی رودررو با طبقه حاکم و نظام سیاسی پاسدار منافع آن روی آورده‌اند. هم‌اینک روزی نیست که شاهد اعتصابات و اعتراضات کارگری در مراکز مختلف تولیدی و خدماتی نباشیم. علاوه بر مبارزات رو به رشد کارگری، زنان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و دیگر لایه‌های اجتماعی نیز مطالبات خود را در کف خیابان‌ها فریاد می‌زنند.

در این میان، زنان دلاور ایران اما با برخورداری از ۴۵ سال تجربه مبارزاتی، هم‌اینک یکی از پیشگامان مبارزه علیه حاکمیت فاشیستی جمهوری اسلامی هستند. زنان قهرمانی که در جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» در صف مقدم مبارزات مردم قرار گرفتند و در این مسیر با دلاوری و جان‌فشانی‌های چشم‌گیری جمهوری اسلامی را به زبونی و استیصال کشانده‌اند. باین‌همه و به‌رغم مبارزات تا کنونی کارگران و عموم توده‌های مردم ایران که به‌طور روزانه شاهدش هستیم، طبقه کارگر ایران کماکان از پراکندگی رنج می‌برد و فاقد هرگونه تشکیلات سراسری است. امری که بدون

دستیابی به آن، گسترش اعتصابات کارگری، سراسری شدن مبارزات توده‌ای و چشم‌انداز پیروزی انقلاب اجتماعی در هاله‌ای از ابهام خواهد بود. چرا که پیروزی انقلاب اجتماعی در گرو سازمان‌دهی و تشکل‌یابی طبقه کارگر در مقیاس سراسری است. روشن است که تحقق این امر، تنها با تلاش و کوشش مبارزاتی پیشروان طبقه کارگر، همه احزاب، سازمان‌ها و نیروهای چپ و کمونیست برای رسیدن به وحدت طبقاتی و سازمان‌یابی مستقل طبقه کارگر امکان‌پذیر خواهد بود. رفقای عزیز!

سازمان فدائیان (اقلیت) برگزاری چهاردهمین کنگره حزبیتان را به شما تبریک می‌گوید. با این امید که کنگره حزبیتان با موفقیت پایان یابد و نتایج آن متناسب با شرایط دوران انقلابی حاکم بر جامعه گام دیگری برای تقویت و همکاری بیشتر احزاب و سازمان‌های چپ و کمونیست باشد.

کمیته اجرایی سازمان فدائیان (اقلیت)

تیرماه ۱۴۰۳ - ۱۶ جولای ۲۰۲۴

## پیام هسته اقلیت

رفقا!

برگزاری کنگره حزب را به شما تبریک گفته و امید است با تصویب قرارها و سیاست‌های انقلابی گامی دیگر به پیش در راستای اهداف کمونیستی بردارید. کنگره حزب در شرایطی برگزار می‌شود که نظام سرمایه‌داری جهان معاصر را در معرض شدیدترین نابرابری‌ها قرار داده است. با وجودی که تحولات تکنیکی و پیشرفت‌های علمی و فنی زمینه ساز شرایطی شده که دستیابی به نیازهای مادی و معنوی انسان با کار کمتر و رفاه بیشتر امکان‌پذیر شده اما بر اثر کارکردهای مخرب نظام سرمایه‌داری نابرابری‌ها افزایش یافته و زندگی انبوه عظیمی از انسانها برای تامین ساده‌ترین نیازهای مادی در خطر قرار گرفته و شکاف‌های طبقاتی ژرف‌تر شده است. در حال حاضر جهان سرمایه‌داری را بحران‌های متعدد و درهم تنیده دربرگرفته است. بحران ژرف اقتصادی، بحران ناشی از تخریب‌های زیست محیطی، بحران در روابط بین‌الملل و سمت و سوی شکل‌بندی‌های قطب‌های جدید، بحران لیبرال دموکراسی و شکل‌گیری راست فاشیستی در ساختارهای پارلمانی، و... نیز شکست پی در پی برنامه‌های انباشت سرمایه، نمونه‌هایی از این روند هستند. در این شرایط حساس با وجودی که تلاش کمونیستها و پیشروان طبقه کارگر برای غلبه بر نابرابری‌ها افزایش یافته اما جنبش طبقاتی کارگران هنوز در حالت تدافعی است و نتوانسته بر حرکت سرمایه و پیامدهای آن غلبه کند. تغییرات اساسی در این عرصه تنها با بازنگری بر موانع سیاسی/نظری و تلاش برای سازمان‌یابی و سازماندهی امکان‌پذیر است که همکاری نیروهای چپ و کمونیست و وحدت سازمان‌های طبقاتی

و توده‌ای کارگران گام مهمی در این راستا است. در ایران نیز پس از خیزش‌هایی که از سال ۱۳۹۶ آغاز شد، در سال ۱۴۰۱ شاهد برآمد جنبش انقلابی بودیم که بزرگترین تحول سیاسی تا کنونی بود که جمهوری اسلامی را آماج قرار داد. اما بر اثر سیاست سرکوب، کارکردهای زیانبار و فرصت طلبانه اپوزیسیون راست، رسانه‌هایشان و در صدر همه آنها سلطنت‌طلبان و از همه مهمتر فقدان سازمانیابی و سازماندهی، جمهوری اسلامی توانست از گسترش جنبش جلوگیری کرده و آن را به عقب براند بدون آنکه بتواند زمینه‌های برآمد جنبش انقلابی را از بین ببرد. در مضحکه انتخابات رژیم بار دیگر شکست سختی خورد اما اتاق‌های فکری آن با گشودن روزنه‌ای برای اصلاح طلبان تلاش دارند شرایطی را بازنمای کنند که آنگاه برآمد مجدد جنبش را کنترل و ازگسترش آن جلوگیری کنند. اما این سیاست همانند گذشته باهم محکوم به شکست است. جامعه ایران هم اکنون در گیر انبوهی از تضادها است و هر آن امکان دارد که از روزنه‌ای جنبشی گسترده‌ترسریلند کند و جمهوری اسلامی را بار دیگر آماج قرار دهد. در این شرایط حساس طیف‌های اپوزیسیون راست می‌کوشند که با کمک دولتهای امپریالیستی و مرتجع منطقه از وزنه جنبش انقلابی برای منافع خود استفاده کنند. بخش مهمی از آنها تلاش دارند، در همسویی با گرایشات گسسته از حاکمیت که می‌توانند واسط بین نیروهای نظامی و بخشی از کارورزان رژیم باشند، موقعیت خود را برای کنترل و هدایت جنبش به نفع منافع اپوزیسیون راست تقویت کند. شعار: «برای دموکراسی از موسوی تا پهلوی» نمونه بارز این سیاست است. در سوی دیگر نیروهای چپ و کمونیست، رهبران عملی جنبش طبقاتی کارگران و پیشروان جنبش‌های اجتماعی قراردارند و نبض جنبش انقلابی و پیشروی آن نیزدر اینجا می‌تپد. در این راستا باید تلاش‌های اساسی برای سازمانیابی و خود سازماندهی از پائین را برای بسیج طبقه کارگر، توده‌های زحمتکش و انبوهی از انسانهایی که زیر سلطه و ستم قرار دارند، تلاش‌ها برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را برای گیری بدیل کارگری و انقلابی متکی بر نهادهای شورایی و خودگردان توده‌ای سازمان داد. همکاری نیروی های چپ و کمونیست گام مهمی در این راستا است.

رفقای گرامی

حزب کمونیست ایران همواره نقش موثری در جنبش کمونیستی، مبارزه علیه سرمایه‌داری و برای آزادی و برابری و نیز علیه ناسیونالیسم و محو ستم ملی داشته و تلاش گرانقدری در راستای پروژه‌های همکاری و همگرایی نیروهای چپ و کمونیست نموده است. برای شما کنگره موفق آرزو می‌کنیم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد

جمهوری شورایی

زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم

هسته اقلیت/مرداد ۱۴۰۳

## پیام سازمان راه کارگر

رفقای عزیز

درودهای رفیقانه ما را بپذیرید. برای کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران، در پیشبرد برنامه ها و هدفهای این کنگره موفقیت و پیروزی آرزو میکنیم و از دعوت سازمان ما به کنگره و نشست عمومی تان سپاسگزاریم.

رفقای

جهان، اینک شاهد بحرانهای بزرگ و دشواریست که دهه ها شاهد آن نبوده است. در همسایه گی ما خاورمیانه، شاهد نسل کشی و قتلعام بی پایانی هستیم که دول امپریالیستی با پشتیبانی بی قید و شرط شان از یک دولت نژادپرست، مردم غزه را بسوی نابودی و نیستی کشانده و درمقابل شاهد جبهه بزرگ مردمی هستیم که صدای صلح خواهی و پایان این جنایت سازمانیافته علیه مردم فلسطین را در خیابانها فریاد میزنند. قدری دورتر شاهد رویارویی و جنگ خونین و ویرانگرانه ای در اکراین و گسترش و تعمیق و دخالت هرچه گسترده تر ناتو برای ادامه این ویران گریها و سیاست اشغالگری دولت امپریالیستی روسیه ایم. این تنها دو جنگ ویران گرایانه در جهان ما نیست، جنگ ها و درگیریهای خونین در سوریه و یمن و سودان و ... ادامه دارد و زمینه های درگیریهای بزرگتر در شرق آسیا بین دو قدرت برتر اقتصادی و نظامی جهان، ایالات متحده امریکا و ناتو از یکسو با چین از دیگر سو است. بی سبب نیست که میگوییم در دوره ی بحرانهای سخت، جنگ ها و کشتارهای بزرگ، گسترش فقر و فلاکت و ویرانی های اقتصادی و اجتماعی و زیست محیطی، در دوره ی گسترش و تشدید سیاستهای میلیتاریستی، شبه فاشیستی، نژادپرستانه و تشدید رقابت بین قطب های سرمایه داری قرار داریم. در دوره ای که سیاست های نئولیبرال در سطح جهانی، به تشدید تضادهای طبقاتی و ملی و مذهبی و فرقه ای، ویران سازیهای بزرگ زیست محیطی، رشد گرایشات شبه فاشیستی و راست افراطی در بسیاری از کشورها منجر شده است. در ایران، در همین زمان که درحال گفتگو هستیم، دهر هشت ساعت یک نفر به چوبه های دار سپرده میشود، و دوزن مبارز، شریفه محمدی و پخشان عزیز در صف اعدام قرار دارند. کارزار های ضد اعدام در بیست و نه هفته گذشته، اساسا از اسارتگاههای زنان آغاز شده و ادامه یافته است. این در شرایطی است که بر بستر جنبش انقلابی ژینا، که خروش انقلابی مردمان ایران با پیشتازی زنان، ماهها ایران و جهان را تحت تاثیر خود قرار دارد و خواست تغییر انقلابی و سرنوشتی حکومت اسلامی، پایان آپارتاید جنسی، برابر حقوقی زنان و مردان، آزادی و برابری را فریاد زد؛ جنبش مطالباتی و اعتراضی کارگران و زحمتکشانشان ایران، همچنان خیابانها و مراکز کار و زیست در بسیاری از شهرها را هر روزه به مرکزی برای اعتراض به سیاستهای رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. همچنان نافرمانی مدنی زنان در ابعاد سراسری ادامه

دارد. جنبشهای اجتماعی در اشکال جنبش بازنشستگان، جنبش دادخواهی و مبارزه علیه اعدام، جنبش دفاع از محیط زیست و آب و زیست، جنبش معلمان و دانشجویان، جنبش ملی و آزادیخواهی ادامه دارد و فضاهای تازه ای می گشاید. در بستر این جنبشهای اجتماعی و خصوصا جنبش انقلابی ژینایی است که چهار نمایش و سیرک انتخاباتی رژیم با اکثریت خرده کننده ای، بمثابه یک فرزاندم سراسری بایکوت و تحریم شدند. آخرین این نمایش ها، بعد از قتل آیت الله اعدام رئیس و وزیر خارجه اش، در انتخاب مسعود پزشکیان رقم خورد که نشانه ی ترس و اضطراب حکومت از سرنوشتی، با دعوت از اصلاح طلبان حکومتی برای نجات کلیت این نظام پوسیده و عهد بوقی اسلامی همراه شده است. رژیم جمهوری اسلامی، اینک که با بحرانهای بزرگ لاینحلی روبروست، اینک که بن بست در روابط خارجی و انزوای بین المللی و شکست پروژه های گشایش اقتصادی و شکست محاصره و تحریم ها از طریق نزدیکی با چین و روسیه به وضوح دیده میشود، اینک که سایه بازگشت شرایط دشوارتر تحریمهای بین المللی، اقتصاد در هم شکسته، جمعیت بزرگتری از مردم را بسوی فقر و فلاکت بیشتر و سلاخی سفره ها میراند، اینک غارت ها و دست اندازیهای نهادهای اخوندی و پاسداران حکومتی به ثروت های ملی، ویرانی های گسترده تر را در مقابل میگذارد، اینک که هیچ طرح و برنامه ای برای بهبود کار و زندگی و زیست اکثریت عظیم مردمان، جز سرکوب عریان وجود ندارد؛ راهی جز انقلاب و سرنوشتی انقلابی حکومت اسلامی توسط مردم وجود ندارد. در این شرایط است که اپوزیسیون حکومت اسلامی در اشکال و تفاوتهای سیاسی و رویکردهای متفاوت خود را برای فردای فروپاشی آماده میکنند. اپوزیسیون سلطنت طلب و تمامیت خواه، در همراهی با سلطه گران بین المللی، علیه انقلاب اجتماعی و تغییرات انقلابی و رادیکال، خواهان براندازی نرم و حفظ همه ساختارهای امنیتی - نظامی- پلیسی حکومت اسلامی و تشدید سیاست نئولیبرال خصوصی سازیها و کنترل جنبش انقلابی رادیکالی هستند که میخواهد از چارچوب نظام سرمایه عبور کند. این جریان رسوا که بزرگترین آفت برای انقلاب ژینایی و رهایی زنانه، با تعرض تبهکارانه و لمپنی به نیروهای انقلابی و چپ، در راستای سیاست تشدید تحریمها و براندازی از طرق اعمال مداخله گرایانه امپریالیستی، کوشش دارند تلاش برای یک تغییر انقلابی رادیکال را سد کنند. طبیعی است که جریان ارتجاع به سلطنت طلبان محدود نمیشود و جریانات ناسیونالیست، جمهوریخواه و لیبرال نیز در تلاش کنترل جنبش اجتماعی کارگران و اکثریت عظیم مردمانی هستند که نظام سرمایه داری را مانع اصلی تحقق خواستها و مطالبات اجتماعی شان میدانند. اکنون که جنبش های اجتماعی در اشکال جنبش های کارگری، بازنشستگان، زنان، دادخواهی، علیه اعدام، زیست محیطی، ملی و ... ایران را به مرکز مهمی از

تحولات اجتماعی در خاورمیانه و جهان تبدیل کرده، جنبش اعتصابی و اعتراض کارگری رکوردهای اعتصاب و اعتراض را می شکند. تحقق خواست ها و مطالبات این جنبش ها، تنها با گذر از سرمایه داری و رویکردی سوسیالیستی ممکن است. این در شرایطی است که گفتمان چپ و رادیکال و رهایی طلبانه و سکولار به گفتمان مهمی در جامعه ایران تبدیل شده، بسیاری از انقلابی فرهنگی و تغییر نگاههای اجتماعی و سیاسی در میان اکثریت عظیمی از مردم سخن می گویند. بی شک اینها نشانه ی وجود یک چپ اجتماعی در ایران است. وجود این سرمایه عظیم اجتماعی و تداوم جنبش اعتراضی و اعتصابی کارگران و جنبش انقلابی جاری، فرصت مناسبی برای نیروهای جنبش کمونیستی ایران فراهم می آورد تا با پاسخگویی به نیاز این جنبش ها و یاری رساندن به آنها، ریلهای اتصال این جنبشها را فراهم کند، به رفع موانع و معضلاتی که سر راه آن وجود دارد یاری رساند، بر تفرقه ها و جدایی ها غلبه کند و پیش شرط های تأمین یک رهبری سیاسی سراسری با راهبرد سوسیالیستی را فراهم سازند. همگرایی، همراهی و درک مشترک میان رهبران و فعالین جریان چپ اجتماعی و کمونیست در پاسخ دادن به معضلات سر راه جنبش کارگری و جنبش انقلابی جاری، کلید به هم رسیدن و تلاقی این بخش های مختلف از جنبش چپ رادیکال و سوسیالیستی است. خوشبختانه اینک ما از طریق همکاریهای طولانی مدت مان در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، سازمان دادن تلویزیون ۲۴ ساعته و تلویزیون آلترناتیو شورایی، راههای نزدیکی و همیاری و همکاریهای مشترک را یافته ایم. اما این تنها آغاز کار است، باید از این فراتر رفت، برای یاری رساندن به جنبش اجتماعی کارگران و اکثریت عظیم مردمان ایران، برای سازماندن یک آلترناتیو قدرتمند و اجتماعی، باید همکاریها را گسترده تر، روابط سیاسی و تشکیلاتی مان را دمکراتیک تر و قوی تر و نزدیکتر، رسانه هایی قویتر و رساتر سازمان داد. باید از این همکاریها و اتحاد عمل مشترک کنونی فراتر رفت؛ نیازها به تقویت جنبش سوسیالیستی و هزمونی طبقه کارگر در این مبارزه بزرگ اجتماعی این را طلب میکند. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست برای آنکه بتوانند تاثیر عمیق و ریشه دار در امروز و آینده ی ایران داشته باشند باید همکاریهای خود را بر بستر تقویت جنبش اجتماعی و کارگری تقویت گفتمان سوسیالیستی گسترش دهد. سازمان راه کارگر، دست همه شما رفقای عزیز را برای گسترش همکاری ها و همیاریها میفشارد و خواهان گسترش همکاریها و تقویت مناسبات رفیقانه حزب کمونیست ایران و سازمان راه کارگر است. برای شما و کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران آرزوی موفقیت و پیروزی داریم!

روابط عمومی سازمان راه کارگر

مرداد ۲۰۲۴ ۲۰ جولای ۲۰۲۴



## پیام شورای نیروهای چپ و کمونیست در کردستان



رفقای گرامی حزب کمونیست ایران!

از جانب خود و شورای نیروهای چپ و کمونیست کنگره چهاردهم حزبتان را بشما شاد باش گفته و امیدواریم کنگره در پیشبرد اهداف حزب کمونیست ایران موفق و پر دستاورد باشد. رفقا!

کنگره شما در شرایطی برگزار می‌شود که اوضاع جامعه ایران و منطقه و جهان در شرایط حساس، دشوار و تعیین کننده‌ای قرار گرفته است. فقر و گرسنگی، ناامنی و جنگ قدرتهای سرمایه داری و پایمال شدن بدیهی ترین حقوق انسانی، زندگی بشریت امروز را به جهنم تبدیل کرده و آینده مبهم و نگران کننده‌ای را پیشروی جامعه بشری قرار داده است. در دو دهه اخیر سیستم سرمایه‌داری جهانی با بحرانی شدید دست و پنجه نرم کرده و بار بحران‌های مزمز خود را بر دوش کارگران و مردم زحمتکش انداخته است. اما در جامعه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، مردم تشنه آزادی، برابری و رفاه درگیر یک نبرد سرنوشت ساز با هیولای اسلامی سرمایه‌داری هستند، که در چند سال گذشته چندین بار پایه‌های ارتجاع اسلامی را بلرز در آورده‌اند. در پرتو این مبارزات بی وقفه و بخصوص پس از خیزش ۱۴۰۱ و میدان آمدن جنبش‌های پیشرو و روشن بین اجتماعی، جنبش کارگری، جنبش زنان، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، از یک طرف نور امید در دل جامعه ما دمیده است و از طرف دیگر وظایف خطیری در مقابل قطب چپ و کمونیست قرار گرفته است. برای نجات جامعه از شرایط دهشتناک کنونی، نگاهها بطرف نقش‌رهایی بخش طبقه کارگر و نقش آفرینی آن در این شرایط حساس دوخته شده است. یکسره کردن کار جمهوری اسلامی بحران زده زخم خورده، وظیفه مبرم طبقه کارگر و حزب و آلترناتیو کمونیستی اوست ما یکبار دیگر برگزاری کنگره چهاردهم را به شما شادباش می‌گوییم و برایتان در پیشبرد وظایف کمونیستی آرزوی موفقیت می‌کنیم.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

۲۵ ژوئیه ۲۰۲۴

## پیام سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

نخست از همه، سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان برپایی چهاردهمین کنگره‌ی حزب کمونیست ایران را صمیمانه شادباش گفته و کنگره‌ی موفق‌ی را برای حزب کمونیست ایران آرزو می‌کند. رفقا!

کنگره‌ی حزب شما در مقطعی برگزار می‌شود که تقابل میان قطب‌ها و قدرت‌های نظام سرمایه‌داری در منطقه و فرامنطقه، از افغانستان تا اوکراین و از سوریه و عراق تا لیبی و فلسطین زندگی و هستی صدها میلیون انسان را به نیستی و تباهی کشیده است. این سیستم انسان‌ستیز در هیأت جهانی در بخشی از جهان نسل‌کشی و جنایات هولناکی را به‌وسیله‌ی ارتش‌های فاشیستی و تا دندان مسلح و مجهز به‌کار انداخته و در جاهایی همانند افغانستان، ایران و... به‌وسیله‌ی مدیرعامل‌های پروژه‌هایی از جنس قرون‌وسطایی‌شان هم‌چون جمهوری اسلامی در ایران و امارت تروریستی طالبان در افغانستان، حملات دهشتناک و وحشیانه‌ای را به هر چه برابری، انسانیت، آزادی‌خواهی، کمونیسم و طبقه‌ی کارگر است به‌راه انداخته است. با وجود این همه توحش سرمایه‌داری علیه برابری‌طلبی در ایران، افغانستان و سراسر دنیا برپایی کنگره‌ی چهاردهم حزب شما، خیزش و اعتراض همه‌روزه‌ی کارگران و جنبش‌های برابری‌طلب از جمله زنان در ایران و ایستادگی و اعتراض زنان در افغانستان، و همه‌ی جهان نشانگر آن است که همه‌ی مردم به‌خصوص کارگران و فرودستان آماده‌اند که برای تأمین یک زندگی انسانی و شایسته بجنگند و با صدای رسا فریاد برآورند که پرچم‌رهایی بشر را نمی‌توان با هیچ فشار، شکنجه و نسل‌کشی‌ای به‌زیر کشید. سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان ضمن ابراز شادباش دوباره به رفقای حزب کمونیست ایران و همه‌ی شرکت‌کننده‌گان در این کنگره، اعلام می‌دارد که در امر سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی ایران ما در کنار شما و دوشادوش جنبش طبقه‌ی کارگر از هیچ نوع همکاری و همیاری دریغ نخواهیم ورزید. رفقا ما باور داریم که کمونیست‌ها و طبقه‌ی کارگر در افغانستان و ایران، چه امروز و چه در آینده، در پهلوی و کنار هم می‌توانند مبارزه‌ی متحدانه را به‌نفع برابری، انسانیت و رهایی از توحش سرمایه در منطقه به سرانجام برسانند. ما دست شما را برای تحقق این امر شریف صمیمانه و رقیقانه می‌فشاریم و کنگره‌ای پر از دست‌آورد برای حزب کمونیست ایران آرزو می‌کنیم.

زنده باد سوسیالیسم!

زنده باد همبستگی جهانی طبقه‌ی کارگر!

شورای مرکزی سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان  
۲۸ سرطان / تیر ۱۴۰۳؛ ۱۸ جولای ۲۰۲۴

## جهان امروز

### نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک‌بار منتشر می‌شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سر‌دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

- \* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.
- \* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- \* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- \* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.
- \* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.

تماس با  
کمیته تشکیلات دلائل کشور  
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات  
دلائل کومه‌له (تکلیف)

takesh.komalah@gmail.com

نصرت تیمورزاده

## جهان پر آشوب و بدیل رهایی!



اکنون دیگر تردیدی در این نیست که آنچه که سیمای جهان معاصر را به تصویر میکشد، بحرانهای تو در توست که همزمان جریان دارند. تمام خوش باوریهای که در آغاز هزاره سوم از جانب دولت‌های سرمایه داری، ایدئولوژیهای بورژوازی و مدیایی بستر اصلی می پراکنند، با فرو ریختن توهم ایجاد شده بر آن خوش باوری‌ها در سرتاسر جهان رنگ باخته است. آنانیکه با یاری گرفتن از تلاش بلوک شرق و بلعیده شدن اکثریت آنان در نظم سرمایه داری غرب و آنانی که سلطه نظم نئولیبرالی حاکم بر جهان سرمایه داری و نظام تک قطبی جهان را به مثابه پایان تاریخ و آغاز به واقعیت پیوستن به اصطلاح رؤیای دست نیافتنی جنگ سرد و رشد اقتصادی را در بوق و کرنا میدمیدند، اکنون آشکارا مبینند که هیچ اثری از آن خوش باوریها باقی نمانده است. همه حوزه‌های حیات اجتماعی جهان دستخوش بحران‌های عمیق و تلاطمات شدید گشته است. اکنون دیگر به سختی میتوان از نظم مسلط بر جهان در پایان جنگ سرد، از نظم تک قطبی با هژمونی امپریالیسم آمریکا سخن گفت. روسیه با پشت سر گذاشتن دوره رخوت یک بار دیگر سر برآورده و به مثابه دومین قدرت اتمی جهان مجدداً وارد کشمکش‌های منطقه ای گشت. چین با یک رشد بی سابقه به دومین قدرت اقتصادی جهان تبدیل شده و در همه جای جهان چه آفریقا، چه خاور میانه و حتی در حیات خلوت آمریکا یعنی آمریکای جنوبی حضور قدرتمند خود را اعلام کرد. بلوک بندیهای جدید نظیر بریکس، گروه شانگهای (بیش از چهار صد جمعیت جهان)، اتحادیه کشورهای افریقائی، مجمع کشورهای آمریکای جنوبی - مرکوسور به میدان آمده اند و همه اینها نشان میدهند که نظم مبتنی بر جهان تک قطبی فرو ریخته و هنوز نظم جدیدی زائیده نشده است و جهان در واقع در یک دوره انتقالی بسر میرد که پایان این دوره و تثبیت جهان چند قطبی به هیچوجه به مفهوم این نیست که جهان با بحرانها و کشمکش‌های جدی روبرو نشود. عروج جریانات راسیستی و مهاجر ستیز در بسیاری از کشورهای اروپائی خود یکی از مشخصه‌های این دوره است. هر چند که مبلغین بورژوازی کوشش میکنند که

با اشاره به جوهر توتالیتر این جریانات راسیستی بحرانی را که سرتاسر جامعه سرمایه داری را فراگرفته است، بحران به اصطلاح دمکراسی بنامند تا از این طریق واقعیت این امر را که نظام سرمایه داری در بحران بوده و عروج جریانات راسیستی تنها یکی از بازتاب‌های این بحران عمومی است را، در پرده نگه دارند. واقعیت این است که با وجود اینکه بیش از پانزده سال از بحران جهانی ۲۰۰۸/۲۰۰۹ میگذرد، ولی جهان سرمایه داری نتوانسته است خود را از تبعات آن رها سازد. سرشکن کردن بار اصلی این بحران به دوش تحتانی ترین اقشار جامعه نه تنها راه نجاتی نبود بلکه به پرتاب شدن بخشهای بیشتری از مردم به پائین جامعه، کاستن از خدمات عمومی و خصوصی سازی بسیار از بخشهای خدمات عمومی تنها نتیجه اش افزایش شکاف طبقاتی در همه جوامع بود. تبعات این بحران زمانیکه به جهان جنوب رسید با خود فقر میلیونی و کوچ اجباری را سبب گشت. نظم سرمایه داری همزمان با ولعی که برای سودآفرینی دارد، بی مهاباترین تهاجم را به زیست محیط میلیاردها انسان سازمان داد. همه داده‌های دانشمندان حوزه اقلیمی نشان میدهند که ناشی از خشکسالی، سرازیر شدن سیلابها، بالا رفتن سطح آب دریاها و گرم شدن دمای زمین کشورهای فقیر نه تنها به سختی آسیب دیده اند بلکه ارزیابیها نشان میدهند که دستکم شصت و پنج کشور از این کشورها با کاهش تولید ناخالص ملی معادل نوزده و شش دهم در صد تا سال ۲۰۵۰ روبرو خواهند بود. واقعیت این است که همه روزه اخبار هولناک به اصطلاح بلایای طبیعی از چهار گوشه جهان شنیده میشود. کوههای یخ در قطب جنوب سریعتر از آنچه انتظار میرفت، شروع به آب شدن کرده اند. آتش سوزی‌های وسیع در آمریکا، روسیه، استرالیا، اروپا، خشکسالی‌های پیاپی در قاره آفریقا تنها برخی از تبعات جنگ سرمایه داری با طبیعت است. در دو دهه و نیم گذشته تهاجم غرب به خاورمیانه و افغانستان، سقوط قذافی در لیبی نه تنها تمام ساختارهای این مناطق را در هم کوبید بلکه فرصتی برای عروج جریانات اسلامی فراهم ساخت. افغانستان، عراق، سوریه، لبنان، لیبی، سومالی، سودان هنوز میدان تاخت و تاز این جریانات به غایت ارتجاعی هستند. جنگ در اوکراین به مثابه یک جنگ نیابتی که مقدماتش بسیار پیشتر از زمان تهاجم روسیه به اوکراین آماده شده بود، اکنون به عنوان گرمترین نقطه جنگ نیابتی رُخ مینماید که حتی میتواند به یک جنگ اتمی تبدیل شود. از زمان آغاز جنگ تا آخر ماه اردیبهشت آمریکا به تنهایی هفتاد و چهار میلیارد و کشورهای اروپائی معادل صد و دو میلیارد هزینه این جنگ نیابتی کرده اند. بعد از " طرح مارشال" پس از پایان جنگ جهانی دوم این اولین بار است که یک کشور اروپائی جایگاه اول دریافت کننده کمک‌های

اکنون در تعطیلات تابستانی و بعد از تصمیم مشترک رئیس جمهور آمریکا و صدر اعظم آلمان، اخباری مبنی بر حضور وزیر دفاع آلمان در یک "بازدید نظامی" از "هاوایی" منتشر شد. این به اصطلاح "بازدید نظامی" از مکانی است که فرماندهی هند و پاسیفیک آمریکا در منطقه آسیا و پاسیفیک در صورت وقوع جنگ را بر عهده خواهد داشت. این فرماندهی بیش از پنجاه درصد از کره زمین را زیر نظر داشته و حدود سیصد هزار سرباز را رهبری میکند. وزیر دفاع آلمان بعد از این "بازدید" عازم کره جنوبی و فیلیپین گشت تا به اصطلاح بازدیدی هم از دو کشور در گیر در کشمکش های حوزه آسیا-پاسیفیک انجام دهد. اما اینها همه وقایع نیستند. در روز یکشنبه بیست و هشتم ژوئیه ایالات متحده و ژاپن بر سر ایجاد یک ستاد مشترک نظامی وگسترش بازدارندگی به توافق رسیدند. این باز دارندگی البته شامل سلاحهای اتمی هم میشود. این توافق فقط چند روز قبل از سالگرد همباران اتمی آمریکا در "هیروشیما وناکازاکی" رخ داد. در عین حال بعد از حمله روسیه به اوکراین، ایالات متحده فشار قابل توجهی را به فیلیپین وارد کرد تا از دستیابی به تعادل بین واشنگتن و پکن دست برداشته و خود را در کنار آمریکا قرار دهد. نتیجه اینکه نیروهای ایالات متحده اجازه استفاده از پایگاههای جدید و ادغام فیلیپین را در سیستم متحدین خویش در شرق آسیا تحقق بخشید. در سی ام ماه ژوئیه نیز وزرای خارجه و دفاع آمریکا با همتایان خود در فیلیپین به رایزنی پرداختند، با این هدف که در باره استراتژی مشترک خود در این منطقه گفتگو کنند. در جریان این ملاقات دولت فیلیپین یک کمک نظامی نیم میلیاردی دریافت کرد. همزمان باز هم در همین ماه ژوئیه دولتهای ژاپن و فیلیپین برای نخستین بار بعد از اشغال فیلیپین توسط ژاپن در جنگ جهانی دوم یک قرارداد نظامی منعقد کرده و استقرار نیروهای نظامی هریک را در کشور دیگر امضاء کردند. بدون تردید اوکراین و حوزه آسیا - پاسیفیک تنها مناطقی نیستند که در آنها یا جنگ نیابتی جریان داشته و یا خطر رویاروییهای نظامی آشکار است. از اکتبر سال گذشته به این سو با شروع جنگ در نوار غزه و در ادامه آن نسل کشی تمام عیار دولت نژادپرست اسرائیل علیه ملت فلسطین بار دیگر افکار عمومی جهان با تصاویری روبرو میشود که اوج توحش رژیم را نشان میدهد که گویا تنها دموکراسی موجود در خاورمیانه است. قرار گرفتن تمام عیار دولتهای امپریالیستی در دفاع از این نسل کشی به آشکارترین شکلی جوهر واقعی این لیبرال دموکراسی جهان سرمایه داری را برای توده های وسیعتری از مردم جهان آشکار ساخت. در روزهای گذشته اما رُخدادهای موجود در این منطقه شتاب بیشتری گرفته اند. در طول هفته گذشته آمریکا تعدادی از مقرهای حشدالشعبی در عراق را همباران کرد. لبنان و اسرائیل بیش از یک هفته است که مناطق مرزی یکدیگر را

همه روزه مورد هدف قرار میدهند. کشتن "فوادشکر" فرمانده نظامی حزب الله در روز سه شنبه، ترور اسماعیل هنیه در روز چهارشنبه در تهران، فرمان خامنه ای به شورای امنیت ملی مبنی بر حمله به اسرائیل، تهدید اسرائیل توسط حسن نصرالله و هم چنین توسط حوثی ها در یمن خطر گسترش یک جنگ منطقه ای را به شدت افزایش داده و منطقه در نقطه جوش است. همه این داده ها که شمرده شدند بیان سیمای جهان پر آشوبی است که زندگی و حیات میلیاردها انسان را در گوشه گوشه جهان با خطر روبرو ساخته است. در مقابل این شرایط پر آشوب اما بارزه هائی از به میدان آمدن جنبش های ترقیخواهانه در بسیار از نقاط جهان دیده میشوند. همه آنانی که دل در گرو بنیاد نهادن جهانی خالی از بهره کشی، فقر، گرسنگی، و همه پلیدی های این نظم وارونه دارند باید به میدان بیایند. بدیل واقعی در مقابل این بربریت تنها میتواند سوسیالیسم باشد. باید با تمام نیرو برای تحقق آن جنگید.

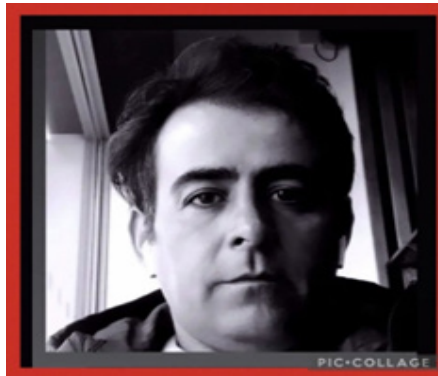
سیزدهم مرداد ۱۴۰۳

سوم اوت ۲۰۲۴



## اطلاعیه کمیته تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران در مورد مرگ ناهننگام رفیق فواد زمانی

پنجشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۳



با کمال تأسف به اطلاع می رسانیم که رفیق فواد زمانی از اعضا و کادرهای کومه له و حزب کمونیست ایران در بامداد ۱۹ ژوئن ۲۰۲۴ برابر با ۳۰ خرداد ۱۴۰۳ در اثر ایست قلبی در منزل خود در شهر منچستر انگلستان، در سن ۴۱ سالگی برای همیشه با زندگی وداع کرد. رفیق فواد که در بهمن سال ۱۳۴۲ در یک خانواده کارگری در شهر سنندج به دنیا آمد، از همان دوران کودکی با مشکلات زندگی و کار و رنج کارگران و زحمتکشان زادگاه خودش آشنایی پیدا کرد. همین محیط زندگی و آشنایی وی با زندگی فرودستان جامعه تأثیر بسزایی در شکل گیری افکار سیاسی وی در سنین نوجوانی داشت. فواد در همان سن نوجوانی تحت

تأثیر فضای خانواده و فضای سیاسی جامعه به افکار مبارزاتی روی آورد و خود را با طیف هواداران کومه له و حزب کمونیست ایران تداعی می کرد. فواد که تحصیلات خود را در رشته حقوق به پایان رسانده بود اینبار بسیار آگاهانه تر از اهداف اجتماعی کومه له و سیاست های آن در جمع جوانان هم سن و سال خود دفاع می کرد. رفیق فواد زمانی در سال ۲۰۱۴ در حالی که مسیر مبارزه سیاسی خود را آگاهانه انتخاب کرده بود، برای پیوستن به صف پیشمرگان و تشکیلات علنی کومه له به آموزشگاه کومه له مستقر در کردستان عراق مراجعه کرد و بعد از پایان موفقیت آمیز دوره آموزشی در یکی از واحدهای نظامی کومه له سازماندهی شد. فواد به دلیل توانایی ها و محبوبیت زیادی که در میان پیشمرگان داشت به زودی مسئولیت یکی از واحدهای نظامی را بر عهده گرفت. فواد با شور و شوقی که به فعالیت داشت برای یک دوره هم مسئولیت اجرایی رادیو کومه له را بر عهده گرفت و همزمان در شبکه های تلویزیونی کومه له و حزب کمونیست ایران مسئولیت تهیه و اجرای برخی از برنامه های تلویزیونی را به خوبی پیش می برد. فواد جوان که از همان اوان کودکی و نوجوانی با زندگی مشقت بار و کار و رنج کارگران و زحمتکشان آشنا شده بود اینبار از تریبون صدای انقلاب ایران و شبکه های تلویزیونی حزب و کومه له برای این توده رنجدیدگان از ضرورت طبقاتی اتحاد و همبستگی و افق پیروزی سخن می گفت. فواد با این پیشینه، مهربانی و متانتی که داشت به چهره دوست داشتنی و قابل اعتماد و اتکا در میان رفقا و همسنگران خود و به سیمای آشنا و محبوب در میان مردم تبدیل شد. فواد بعد از بیش از چهار سال فعالیت سخت کوشانه و شبانه روزی در بخش های مختلف تشکیلات علنی کومه له در سال ۲۰۱۸ عازم اروپا شد و بعد از تحمل سختی های مسیر راه از جمله دستگیری و خطر دیپورت به ایران در ترکیه و سپس در یونان سرانجام در سال ۲۰۲۰ به کشور انگلستان رسید و در شهر منچستر اسکان گزید. فواد بعد از سپری کردن دوره استقرار و امورات مربوط به پناهندگی اینبار به عنوان عضو تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران به فعالیت خود ادامه داد. با مرگ نابهنگام رفیق فواد زمانی کارگران و زحمتکشان کردستان یکی از یاران دلسوز و با وفای خود و کومه له و حزب کمونیست ایران هم یکی از همزمان روشن بین و قابل اتکای خود را از دست دادند. جانباختن نابهنگام رفیق فواد را به تک تک اعضای خانواده و بستگان گرمی و دوستانش در شهر منچستر، به کارگران و زحمتکشان و به همه رفقای صفوف تشکیلات کومه له و حزب کمونیست ایران صمیمانه تسلیت می گوئیم. یاد فواد عزیز زنده و گرمی باد.

کمیته تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران

۳۱ خرداد ۱۴۰۳

۲۰ ژوئیه ۲۰۲۴





م- مهرزاد

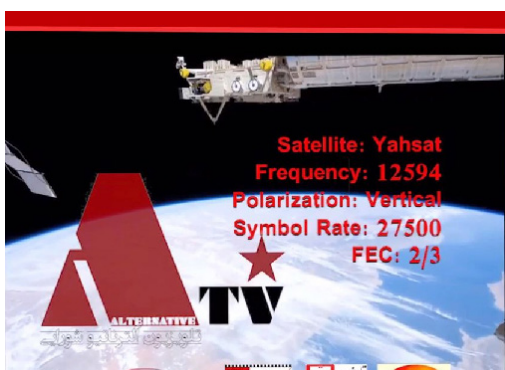
## سرگیجه سیاسی!

ایران است اما یک ویژگی دیگری دارند که بدنه آنها به مثابه گرایشات رفرمیستی در جنبش کارگری و دیگر تشکل های توده ای عمل می کند و دوم اینکه چون لباس چپ برتن دارند و طیف و افرادی که در جنبش های جاری به چپ روی می آورند رو به افزایش است اما تفاوت و مرزهای واقعی بین جریانات مختلفی که به نام چپ فعالیت می کنند را به تمامی و دقیق نمی شناسند. رفرمیسم در جنبش کارگری و توده ای پنهان تر از عرصه فعالیت در میدان سیاسی است. گاه در هم تنیده و گاه همراه با اپورتونیسم و زیگزاک های گمراه کننده است و به این اعتبار و بر مبنای این دو ویژگی به مثابه تسمه نقاله های اپوزیسیون لیبرال برای نفوذ در این جنبش ها تبدیل شده اند و بر تضادهای آنتاگونیستی سرپوش می گذارند. ما معتقدیم که اپوزیسیون راست در جنبش های موجود و متشکل نفوذ ندارد اما آیا جریانات رفرمیستی و "چپ" نیز در این جنبش ها وجود ندارند؟ و آنها جزئی از اپوزیسیون لیبرال راست به شکلی دیگر نیستند؟ عمده نیروهای اپوزیسیون راست شامل جریانات و شخصیت های مطرح بارها تلاش کردند در جنبش کارگری و توده ای نفوذ کنند اما موفق نشدند و از این زاویه خطر به حاشیه رفتن را بیشتر حس می کنند و شاهد آن خواهند بود. بر اساس این روند آنها چاره ای ندارند تا بیشتر به گرایشات رفرمیست "چپ" روی بیاورند. اپوزیسیون راست در جریان جنبش های چند سال گذشته دچار سردرگمی شده و سرگیجه گرفته است. از این منظر چپ رفرمیست تلاش دارد تا به عنوان تسمه نقاله هایی بتواند نقش بیشتری بین جنبش های جاری و اپوزیسیون راست ایفا کند و برای تحقق چنین امری نیاز به این دارد که این تسمه نقاله ها را تقویت و محکم کند! به عبارتی دیگر چپ لیبرال با وجود تمام تفاوت ها و حتی تناقضاتی که دارند، با هم شروع به همکاری می کنند. از این زاویه در عمل و در این پروسه دچار یک سرگیجه سیاسی شده اند. مجموع گرایشات چپ لیبرال هر یک مختصات و تاثیرات رفرمیستی و لیبرالی خود را در جنبش

دست بالا دارد و اپوزیسیون راست ضعیف و حاشیه است اما در میان طیف وسیع و گسترده مردم غیر متشکل که عموماً جنبش های خیابانی را شکل می دهند و لایه های مختلف و وسیع و متنوعی دارد اپوزیسیون راست بیشتر شناخته شده است و میلیون ها مردم کمتر جریانات مشخص و احزاب چپ انقلابی را می شناسند. مردم بسیاری از طریق رسانه های پر بیننده شخصیت های دست راستی و حرف های آنها را می شناسند و می شنوند اما اگر شورای همکاری احزاب و نیروهای چپ و کمونیست را نام ببریم برای آنها نامی ناشناخته و بیگانه است چه برسد به هر یک از این نیروها. در کردستان ایران احزاب و جریانات چه در طیف راست و چپ بیشتر شناخته شده هستند اما هیچک به طور کامل و قوی دست بالا ندارند و جدال آلترناتیوها ادامه دارد. اینها مختصات کنونی جریانات و اپوزیسیون راست و چپ در میدان سیاست ایران است که ما باید به دقت آنها را دنبال کنیم و با واقع بینی و درک این صف بندی ها و شرایط آنها نه تنها تاکتیک و سمت سوی مبارزه نظری سیاسی خود را تعریف کنیم بلکه امکان تغییرات در این صف بندی ها و امکانات و ارتباطات بین آنها را نیز مد نظر داشته باشیم. هر گاه با خوش خیالی یا خود بزرگ بینی و کوچک دیدن دشمن ادامه راه بدهیم قطعاً در تند پیچ های تاریخی دچار ضربات جبران ناپذیری خواهیم شد. این مقدمات برای بحث و بررسی کلیت این صف بندی های و مختصات و مشخصات اپوزیسیون دست راستی و چپ نیست بلکه ضروری بود با آگاهی و اشاره به این واقعیات بشود طیف خاص دیگری را در بین این صف بندی ها مورد موشکافی قرار بدهیم که هر چند عموماً از مشخصات اپوزیسیون راست برخوردارند اما دارای ویژگی های خاص خود هستند که آگاهی از آنها برای گرایش سوسیالیستی ضروری است. این طیف شامل احزاب و جریانات چپ لیبرال است. این جریانات احزاب و سازمان هایی هستند که بخشی از طیف لیبرال اپوزیسیون راست هستند که حریف اصلی پرولتاریای

در جریان پیشروی مبارزه طبقاتی و بخصوص با رشد مبارزات کارگری و مردمی صف بندی های سیاسی نیز دستخوش تغییر و تحول گردید. این نه به این معنا که منفعت های طبقاتی جریانات سیاسی تغییر کرده است و نه به معنای این توهم که با گسترش مبارزه طبقاتی جریاناتی از صف بورژوازی و دشمنان مردم به سمت طبقه کارگر رانده شدند بلکه به معنای تاثیرات روند مبارزه طبقاتی بر اتحاد و یا تشتت جریانات است. در متن مبارزه سیاسی ایران و بخصوص در جریان و پس از جنبش انقلابی بزرگ ۱۴۰۱ در مجموع اپوزیسیون راست دچار تشتت و اختلافات و بحران بیشتری شد و در بین احزاب و نیروهای چپ انقلابی اتحاد و همکاری بیشتری بوجود آمد. نمودهای مشخص آن فروپاشی آلترناتیو هشت شخصیت سیاسی متشکل از سلطنت طلبان و جمهوری خواهان بود و در مقابل مطرح شدن بیشتر آلترناتیو شورایی است. توهم نسبت به سلطنت طلبان کاهش یافت و موقعیت آنها در اپوزیسیون راست افول پیدا کرد. هر چند در مجموع اپوزیسیون راست متشکل از سلطنت طلبان و لیبرال ها را نباید دست کم گرفت اما طیف لیبرال ها متشکل از لایه های مختلف جمهوری خواه، سوسیال دمکرات، ملی مذهبی و غیره از این پس حریف مهمتری برای پرولتاریا و سوسیالیست ها در ایران هستند. و در این سمت نیز اتحاد جریانات چپ انقلابی هنوز به شکل کاملاً منسجم و زیادی در جامعه مطرح و شناخته شده نیست و تناقضات سیاسی جدی نیز گاه در بین آنها خود را نشان میدهد. مثل اختلاف بر سر منشور حداقلی و یا دفاع و تعریف از تشکل های کارگری موجود و غیره. در داخل کشور نیز جریانات کارگری و توده ای نتوانسته اند تشکل و ارتباط سیستماتیکی به مثابه یک آلترناتیو ایجاد کنند و هنوز از پراکندگی رنج می برند و زیر ضربات سیستماتیک رژیم قرار دارند. بسیاری از فعالین کارگری در زندان هستند و فعالیت های آنها با موانع بسیاری روبرو است. در بخش متشکل جنبش ها - کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و زنان - عموماً گرایش به چپ

تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له برنامه های خود را به همراه تلویزیون های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.



ساعت پخش برنامه های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له به وقت تهران:

- آغاز برنامه ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازده و نیم قبل از ظهر

"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"

نیز روی همین کانال برنامه های مشترک خود را تحت عنوان تلویزیون "آلترناتیو شورایی" در روزهای سه شنبه و یکشنبه هر هفته برنامه های خود را پخش می کند.

دارند که قابل تحمل و بحث است و به همه آنها و در موارد مشخص باید بپردازیم. در اینجا به همکاری و نقطه مشترک دو جریان انشعابی از حزب کمونیست ایران و راه کارگر گرایش راست خواهیم پرداخت.

جریان انشعابی از یکطرف با جریانات راستی کردستان مثل حزب دمکرات و جریان مهندی، ایلخانی و ... اتحاد عمل دارد و بارها اطلاعیه و فراخوان های مشترک دادند و از طرف دیگر با راه کارگر راست نیز اطلاعیه های مشترکی میدهند. در این اطلاعیه های مشترک که از فقر و ستم و اقتصاد ایران فراوان صحبت می شود اما حتی یک مورد از ضرورت حاکمیت شورایی کارگران و مردم نه تنها سخنی به میان نیامده بلکه در اطلاعیه مشترک روز جهانی زن این دو جریان بر حق تشکیل مجلس موسسان تاکید شده است. این آلترناتیو بورژوازی که سال ها است از طرف جریان گرایش راست راه کارگر در مقابل آلترناتیو شورایی تبلیغ و ترویج می شود در سال گذشته نیز مشترکا از طرف این دو جریان مطرح شد (۱). شیفت جریان انشعابی از همان شعارهای ظاهری حاکمیت شورایی و کارگری حالا به شکل علنی تا حد مجلس موسسان سقوط کرده است. مجلس موسسان به مثابه نهادی بورژوازی در شرایطی مطرح می شود که هر چه بیشتر جنبش ها و جریانات کارگری و توده ای و دانشجویی از حاکمیت شورایی دفاع می کنند. این خانه تکانی ها اتفاقی نیست و هر چند همراه با سرگیجه سیاسی و تناقضات فراوانی همراه است اما از تلاش برای نزدیکی لیبرال چپ ها به یکدیگر حکایت دارد. اگر می شود با هزار و یک توجیه همکاری با جریانات ناسیونالیست و دست راستی کردستان را فرموله کرد چرا چنین کاری نتوان کرد. چپ لیبرال در یک سرگیجه سیاسی تلاش دارد تا بلوک چپ لیبرال را سازمان دهد تا در فرمیسم ایران بتواند جای پای محکمتری ایفا کند. رفرمیست ها در ایران که دست پایین در جنبش کارگری دارند نیازمند یک پشتوانه سیاسی قویتری هستند. جریانات سوسیالیستی و جناح چپ کارگری بدون نقد سیاست جریانات رفرمیستی و چپ لیبرال نمی تواند موقعیت خود را تحکیم و جنبش کارگری را کیفیتا تقویت کند. آشخور سیاسی جریانات و افراد رفرمیست در داخل کشور مستقیما جریانات چپ لیبرال است و به این اعتبار مبارزه با هر یک از آنها جدای از مبارزه با دیگری نیست. نقد اقدامات رفرمیستی در داخل کشور به موازات نقد سیاسی مواضع چپ لیبرال خارج کشوری باید همراه باشد تا تکمیل و موثر گردد. بحث های اثباتی ما در ارتباط با حاکمیت شورایی و صف بندی های طبقاتی نمی تواند بدون نقد آلترناتیوهایی که گرایش لیبرال چپ مطرح می کند همراه نباشد. آیا مجلس موسسان و حکومت انسانی آلترناتیو تحولات جامعه ما است یا حکومت شورایی؟ آیا با طیف سلطنت طلبان، احزاب دست راستی کردستان و دیگر

لیبرال جمهوری خواهان می شود صف انقلابی در مقابل رژیم ایجاد کرد یا با احزاب و سازمان های سوسیالیست مدافع حاکمیت شورایی و تشکل های کارگری و مردمی؟ آیا با مبارزه رفرمیستی و سازشکارانه می شود به نتیجه رسید یا با تلفیق مبارزه اقتصادی و سیاسی؟ جریانات حزب توده و حزب چپ اکثریت نیز در بخش های متشکل جنبش کارگری و توده ای نقش رفرمیستی و راست ایفا میکنند که تشابه زیادی با نقش دیگر جریانات چپ لیبرال دارد. از یکسو تلاش دارند تشکل های کارگری مثل بازنشستگان را به یک صنف تبدیل کنند و هر نوع بازنشسته ای را در آن بگنجانند چه کارفرمای بازنشسته باشد و چه کارگر و در جنبش کارگری و معلمان نیز با تمام توان در تلاش برای این هستند تا سمپاتی به آلترناتیو شورایی ایجاد نشود و مبارزه رنگ سیاسی به خود نگیرد. به عبارتی دیگر آنها تلاش می کنند مبارزه و مطالبات فقط علیه جمهوری اسلامی باشد و خصلت ضد سرمایه داری بخود نگیرد. جریانات رفرمیست در جنبش کارگری و دیگر بخش های متشکل در این چند سال باعث چند انشعاب و چند دستگی شده اند و از درون به بخش های متشکل جنبش ها ضربه می زنند. در دفاع و تبلیغ مجلس موسسان که حالا در بیانیه های مشترک جریان انشعابی و گرایش راست راه کارگر خود را نشان می دهد، جایگاه مشخص طبقاتی وجود دارد که بخصوص با پررنگ تر شدن نقش جمهوری خواهان لیبرال همراهی و هماهنگی دارد. مجلس موسسان و پارلمانتاریسم جایگاه مشخص طبقاتی خود را در متن اوضاع سیاسی کنونی دارد. نزدیکی سیاسی جریان انشعابی و راه کارگر راست هر چند همراه با تشتت نظری و سرگیجه همراه است اما حکایت از این واقعیت دارد که این شیفت سیاسی اتفاقی نیست و بر مبنای یک ضرورت در طیف لیبرال چپ شکل گرفته است و به نوعی چراغ سبز نشان دادن به جریانات لیبرال جمهوری خواه و بیانگر همراهی و همسویی با این طیف در لباس چپ است. اما به طور مشخص مجلس موسسان یا پارلمانتاریسم چرا یک آلترناتیو راست و بورژوازی است؟ چرا کمونیست ها با این آلترناتیو نمی توانند منافع طبقاتی خود را پیش ببرند؟ و در طول تاریخ چرا کمونیست ها گاه در این و آن پارلمان شرکت داشتند؟ و در نهایت تجربه تاریخی مبارزه طبقاتی در روسیه قبل از انقلاب و در جریان انقلاب اکتبر چه درسهایی برای ما دارد؟ اینجا مختصرا به آنها پرداخته خواهد شد. هر چند کمونیست ها در دوره های تاریخی و شرایط مشخصی در پارلمان های بورژوازی نیز شرکت کرده اند اما این صرفا برای استفاده از تریبون پارلمان برای رساندن صدایشان به گوش مردم بوده است. پارلمانتاریسم از هر نوع آن نمی تواند ابزار مناسبی برای شیوه اعمال قدرت سیاسی پرولتاریا باشد چرا که مناسبات و روابطی بورژوازی را در خود دارد که در نهایت به نفع بورژوازی عمل میکند. انتخابات پارلمانی مبتنی بر قدرت تبلیغات

موسسان که نمایندگان احزاب و گرایشات

ها حتی در دمکراتیک ترین کشورها هرگز از مدار مناسبات سرمایه داری خارج نشده اند و این پتانسیل و مناسبات را ندارند تا بتوانند مکانیزم تغییر و تحول طبقاتی را به شیوه انقلابی و پرولتری پیش ببرند. مجلس موسسانی که آترناتیو راه کارگر راست است در یک سرگیجه سیاسی از طرف منشعبین از حزب کمونیست ایران در دو سند امضا شده است تا هر چه بیشتر بی پرنسیبی و دوری خود از راه حل انقلابی را نشان بدهند. لیبرال چپ ها در متحد شدن با احزاب غیر کارگری نشان داده اند که نمی توانند مدافع راه حل انقلابی و حکومت شورایی باشند و در سرایش اتحاد های ناهمگون دست به بی پرنسیبی های زیادی می زنند. در نهایت لازم است بار دیگر بر این مسئله مهم تاکید کرد که راه نفوذ و حضور گرایش لیبرالی اپوزیسیون راست تنها از طریق جریانات چپ لیبرال و رفرمیسم در جنبش های جاری ادامه دارد و بدون مبارزه سیستماتیک و دائم با آنها پیشروی گرایش سوسیالیستی و کارگری ممکن نیست.

تیر ماه ۱۴۰۳

- ۱- به اطلاعیه "منشور حقوق زنان" که سال گذشته مشترکا توسط این دو جریان منتشر شد مراجعه کنید
- ۲- تروتسکی تاریخ انقلاب روسیه صفحه ۶۳
- ۳- همانجا صفحه ۶۵



بدهند و هم آنها تاثیر مستقیم و بیشتری از روند جاری انقلابی و مبارزه طبقاتی می گیرند. بلشویک ها بر این واقعیت که ساختار مجلس موسسان و هر پارلمان دیگری بورژوازی است واقف بودند و به همین دلیل آترناتیو خود را شوراهای کارگران دهقانان و سربازان اعلام کردند. تروتسکی به نمایندگی از بلشویک ها در این پیش پارلمان سخنرانی نهایی را در جریان خروج بلشویک ها از آن خواند که بخشی از آن چنین بود: خیر، بلشویک ها اعلام می کنند که ما با این حکومت خائن به مردم و با این شورای-منظور همان پیش پارلمان- چشمک زننده به ضد انقلاب هیچ وجه مشترکی نداریم... ما ضمن خروج از شورای موقت، کارگران سربازها و دهقانان سراسر روسیه را به هوشیاری و شجاعت فرا می خوانیم. پتروگراد در خطر است! انقلاب در خطر است! خلق در خطر است! ... روی سخن ما با مردم است. تمام قدرت به دست شوراهای! به محض پایین آمدن سخنران از سکوی خطابه، شصت هفتاد تن بلشویک حاضر در میان ناسزاهای حاضران تالار را ترک کردند. (۳) بلشویک ها می دانستند که نحوه انتخاب و ساختار پارلمان و شوراهای ماهیتا با هم متفاوت و متناقض است و به همین دلیل به سرعت پیش پارلمان را پس از افشاکاری های لازم ترک کردند. آنها ابرکتیو فکر می کردند و مطابق پیش بینی آنها شوراهای کارگران سربازان دهقانان به سرعت دستخوش تغییر و گرایش یافتن به سمت راه حل انقلابی شد و در نهایت انقلاب اکبر با شعار تمام قدرت به دست شوراهای رقم خورد. در طول تاریخ نیز ما مشاهده می کنیم که انواع پارلمان

اجتماعی حضور داشتند چنین تغییری ممکن نبود و نمایندگان منافع طبقاتی مشخص و غیر قابل تغییری داشتند. ترکیب این مجلس چنین بود: "اکثریت به اصطلاح "دمکراتیک" پیش پارلمان مرکب از ۳۰۶ تن بود: ۱۲۰ سوسیال رولوسیونر، مشتمل بر ۲۰ سوسیال رولوسیونر چپ، ۶۰ منشویک با گرایشات گوناگون، ۶۶ بلشویک، پس از اینها نمایندگان تعاونیها و کمیته اجرایی دهقانان و نیرو ذالک قرار داشتند. طبقات دارا ۱۵۶ کرسی را به خود اختصاص داده بودند، و نیمی از اینها به کادتها تعلق داشتند. همراه با نمایندگان کادتها و قزاق ها اعضای کم و بیش محافظه کار کمیته اجرایی کرنسکی، جناح راست به احراز اکثریت در مورد پاره ای مسائل به احراز اکثریت نزدیک شد. بدین ترتیب توزیع کرسی ها در آن مرغدارنی با همه خواستهای مردم، چه در شهر چه در روستا، در تناقض فاحش قرار داشت." (۲) ترکیبی را که تروتسکی در پیش پارلمان نشان می دهد بر خلاف شوراهای سراسری کارگران، دهقانان و سربازان غیر قابل تغییر بود و این ویژگی عمومی پارلمان ها است که اولاً به واسطه قدرت مادیها و پول و امکاناتشان شخصیت هایی را به جامعه معرفی می کنند که مردم عموماً شناخت دقیقی از آنها ندارند و مهمتر از آن تا انتخابات بعدی این نمایندگان احزاب و جریانات عموماً منطبق بر منافع طبقاتی خود و تغییر ناپذیرند اما در یک بافت شورایی و کارگری هم انتخاب افراد بسیار دقیقتر و آگاهانه تر است، هم منتخبین هر زمان بخواهند می توانند نمایندگان خود را تغییر

## در برابر حکومت اسلامی سرمایه داران، پرچم سرخ مبارزه برای سوسیالیسم را برافرازم

جامعه به مرز غیر قابل تحملی رسانده است. در مقابل، باندهای حکومتی و وابستگان به آنها با ثروت های بادآورده ناشی از رانت های قدرت، زندگی افسانه ای برپا کرده و در ناز و نعمت به سر می برند. تحت این شرایط، قدرت و ثروت هر چه عظیم تر در دست اقلیت کوچکی از سرمایه داران، مقامات حکومتی، آفازاده ها و سرداران سپاه تمرکز یافته، فاصله طبقاتی عمیق تر شده و توده های هر چه بیشتری از کارگران و اقشار پایین و حتی میانی جامعه به زندگی زجرآوری در پایین تر از خط فقر پرتاب شده اند.

همین واقعیات اقتصادی و چشم انداز فقر و فلاکت بیشتر و اعمال تبعیض جنسیتی علیه زنان، رشد و گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگران و اعتراضات اقشار محروم جامعه و برآمد خیزش های توده ای انقلابی را اجتناب ناپذیر کرده است. در چنین شرایطی بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران از جمهوری خواهان نتولیبرال لائیک بورژوازی طرفدار غرب گرفته تا احزاب ناسیونالیست در

محیط های کار را به شدت ناامن کرده است. سایه هیولای بیکاری و رواج قراردادهای موقت و سفید امضا هرگونه امنیت شغلی را از کارگران سلب کرده است. بر بستر این فقر و فلاکت اقتصادی و ناامنی اجتماعی، کشتار کولبران در کردستان و سوخت بران در سیستان



و بلوچستان، پدیده کودکان کار و خیابان، اپیدمی اعتیاد و رواج تن فروشی و گسترش دیگر آسیب های اجتماعی که میلیون ها خانواده را در دام خود گرفتار ساخته اند؛ زندگی را برای کارگران و لایه های آسیب پذیر

نشانه های گنبدگی و انحطاط سرمایه داری ایران و پیامد ویرانگر سیاست های اقتصادی سرمایه دارانه و فساد و رانت خواری تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، همه جا چهره ی کریه و ضدانسانی خود نشان داده است. اجرای برنامه های ریاضت اقتصادی، خصوصی سازی ها، تشدید استثمار، بیکارسازی، اعمال آپارتاید جنسیتی علیه زنان در بازار کار و عرصه های مختلف حیات اجتماعی، کالایی شدن آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و سایر خدمات اجتماعی و محرومیت شمار هرچه بیشتری از مردم در دسترسی به این خدمات اولیه در جامعه، بحران های زیست محیطی و نیز گسترش حاشیه نشینی با پیامدهای ویرانگر آن؛ وضعیت فاجعه باری را به طبقه ی کارگر، تهیدستان و اکثریت مردم ایران تحمیل کرده است. دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر، گسترش شرکتهای پیمانکاری، تورم و گرانی و سقوط قدرت خرید کارگران و حقوق بگیران جزء، زندگی بسیاری از خانواده های کارگری و محروم جامعه را به تباهی کشانده است. تشدید استثمار در شرایط فقدان وسائل ایمنی،



افزایش خواهد یافت، خدمات و محصولات مورد نیاز مردم در مقیاس انبوه برای رفع نیازهای مادی و معنوی انسانها تولید می شوند. شهروندان از امکانات یکسان و فراوان برای رشد استعداد و توانائی های فردی برخوردار خواهند بود و توانائی های فردی شکوفا میشوند، در چنین جامعه ای آزادی و رفاه هر فرد شرط آزادی و رفاه همگان خواهد بود، مبارزه برای بقای فردی خاتمه می یابد و انسان ها به شرایط واقعا انسانی قدم می گذارند. در نظام اجتماعی سوسیالیستی کار از یک اجبار برای مزد و امرار معاش، به امری داوطلبانه تبدیل می شود، که صرفا بر اساس درک وظیفه و پاسخگویی به نیاز اجتماعی انجام میگردد. تکنولوژی و پیشرفتهای علمی در همراهی با پیشرفت های جهانی دانش در خدمت ارتقاء زندگی شهروندان قرار می گیرد و امکان پایین آوردن ساعات کار و افزایش ساعات فراغت را فراهم می آورد. جامعه سوسیالیستی به اشکال گوناگون نابرابریها و تبعیض ها نظیر ستمکشی زن و ستمگری ملی و ... پایان می دهد. تبعیض جنسیتی و تنگ نظری ملی و نژادی جای خود را به همبستگی انسانی خواهد داد. سوسیالیسم به تخریب و فجاج زیست محیطی که هستی، امنیت و رفاه انسان ها را به مخاطره انداخته اند پایان می دهد و حفاظت و بهره برداری عقلانی از طبیعت را به معیار اصلی پیشرفت و توسعه خود تبدیل می کند. تحقق چنین جامعه ای، خیال پردازی و تصور مدینه فاضله آرمانی نیست. حرکتی در سیر تحول مادی تاریخ بشر است. نیروی اجتماعی آن در قامت اعتراضات و اعتصابات باشکوه کارگران، اعتراضات تهیستان شهری در صحنه حضور دارد و امکانات مادی تحقق آن وجود دارد. اما برای ارتقای سازمانیابی این نیروی اجتماعی، برای تقویت و انسجام بخشیدن به گرایش سوسیالیستی در درون طبقه کارگر و برای برپایی یک جنبش شورایی و برای برقراری سوسیالیسم باید آستین ها را بالا زد



یعنی طبقه کارگر که با اعتصابات و اعتراضات خود در صحنه جامعه حضور دارد، در روند تکامل مبارزات و سازمانیابی صفوف خود شوراها و دیگر تشکلهای توده ای و طبقاتی خود را ایجاد می کند، در احزاب و سازمانهای سیاسی و کمونیستی خود متشکل می شود، اکثریت محرومان و ستمدیدگان و آزادیخواهان جامعه و جنبش های پیشرو اجتماعی را با خود همراه کرده و آمادگی انجام این رسالت تاریخی را پیدا می کند. آلترناتیو سوسیالیستی در مسیر پیشروی خود، با برپایی اعتصابات سیاسی توده ای و سراسری دستگاه سرکوب



حاکم را فلج کرده و با سازماندهی قیام در گام نخست رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون می کند. ماشین دولتی موجود را همراه با کلیه ارگانهای سرکوب آن درهم می شکنند و حکومت شوراها را کارگران و زحمتکشان و فرودستان را برقرار می سازد. حکومت شورائی بساط شکنجه و اعدام را در هم می پیچد و وسیع ترین آزادی های بدون قید و شرط سیاسی را تأمین و تضمین می نماید. با اجتماعی کردن مالکیت بر وسائل تولید، همه ظرفیتهای اقتصادی و اجتماعی موجود در جامعه ایران را با برنامه و نقشه مند، به کار می گیرد. با رفع بیگانگی تولید کنندگان از کالایی که با نیروی کار، تجربه و تخصص خود تولید می کند اما به سرمایه دار تعلق می گیرد، خلاقیت و توانائی توده های آزاد و حاکم بر سرنوشت خود را شکوفا می سازد. بدین ترتیب شکوفائی و توسعه اقتصادی واقعی ممکن می گردد، بازده کار با سرعتی غیر قابل تصور

کردستان، از سلطنت طلبان گرفته تا مجاهدین خلق نگران از اینکه رشد و اعتلای جنبش کارگری و جنبش انقلابی نه فقط جمهوری اسلامی، بلکه کل مناسبات سرمایه داری را به زیر بکشد، برای سر و سامان دادن به آلترناتیو مورد نظر خود و جهت به بیراهه بردن جنبش انقلابی کارگران و فرودستان تلاش می کنند. اما هیچکدام از بخشهای اپوزیسیون بورژوازی، راه حلی برای پایان دادن به فلاکت اقتصادی توده ها و حتی برای تامین توسعه اقتصادی مورد نظر خود نیز ندارند. راه حل این نیروها برای کنترل بحران اقتصادی، چیزی جز سپردن اداره اقتصاد کشور به دست مدیران تکنوکرات، عادی سازی مناسبات با دولتهای غربی، رفع موانع سیاسی بر سر راه ادغام بیشتر سرمایه داری ایران در بازار جهانی، پیگیری برنامه های اقتصادی نئولیبرالی متکی بر بازار آزاد در داخل کشور نیست. این نیروها در بهترین حالت ادامه برنامه های سرمایه دارانه با مدیریت غیر اسلامی و یک استبداد غیر مذهبی را جایگزین یک استبداد مذهبی می کنند.

در چنین شرایطی سوسیالیسم تنها بدیلی است که می تواند افق رهایی را به روی کارگران و توده های محروم و فرودست جامعه ایران بگشاید. باید در برابر مناسبات سرمایه داری حاکم و حکومت اسلامی سرمایه داران راه حل و بدیل کارگری و سوسیالیستی را قرار داد و آن را به یک گفتمان نیرومند در درون جامعه تبدیل کرد. باید نشان داد سوسیالیسم تنها بدیلی است که می تواند افق رهایی را به روی کارگران و توده های محروم ایران بگشاید و به تمام معضلات اقتصادی و مصائب اجتماعی و بی حقوقی ها که جامعه را در چنگال خود می فشارد، پایان دهد. برخلاف تصویری که ایدئولوگ های طبقات بالا رواج داده اند، باید نشان داد که کارگران و زحمتکشان می توانند حکومت را در دست بگیرند و بدیل سوسیالیستی بر پایه های عینی و عملی واقع بینانه استوار است. باید نشان داد که نیروی اجتماعی متحقق کننده سوسیالیسم،



## کمک مالی به حزب کمونیست ایران و کومه له

اعضا، هواداران و دوستان حزب کمونیست ایران و کومه له! مردم آزاده و مبارز! ما برای ادامه کاری فعالیت هایمان به کمک مالی شما نیازمندیم! تلویزیون کومه له و حزب کمونیست ایران با پشتیبانی و کمک مالی شما قادر خواهد بود با کیفیت بهتر و در شبکه های قابل دسترس تر، فعالیت هایش را در راستای اهداف سوسیالیستی برای تحقق زندگی ای شایسته انسان پیش برد! ما را در این راه یاری رسانید و به هر طریق و شکلی که برایتان مقدور است کمک های مالی خود را به تشکیلات های ما در هر محلی که هستید برسانید.

سایت تلویزیون کومه له

www.tvkomala.com



سایت کومه له

www.komalah.org



ایران

کمونیست

حزب

سایت

www.cpiran.org



از سایت های حزب کمونیست

ایران

و کومه له

دیدن کنید!

## ترور اسماعیل هنیه و تنگنای جمهوری اسلامی

را ملزم به واکنش در برابر این تعرض تحقیر آمیز می‌داند. جمهوری اسلامی خواهان انجام عملیات محدود و کنترل شده است، اما چون از میزان تحمل طرف مقابل ارزیابی دقیقی ندارد، هرگونه اشتباه در محاسبه ممکن است به گسترش جنگ و رویارویی مستقیم با دولت اسرائیل بیانجامد. به رغم پافشاری و تأکیدات مکرر خامنه‌ای بر خونخواهی، همین تنگنای استراتژیک و هراس از رویارویی مستقیم با اسرائیل باعث می‌شود که سپاه با کمک و یا بدون کمک نیروهای نیابتی عملیات محدودتری از آنچه برخی از ناظران سیاسی انتظار دارند انجام دهد، عملیاتی نامتناسب با تهاجم تحقیر آمیز اسرائیل، که این به نوبه خود موقعیت منطقه ای جمهوری اسلامی را ضعیف تر خواهد کرد.

اما تنگنای اصلی جمهوری اسلامی نبود بنیه اقتصادی و یک پشت جبهه امن است. واقعیت این است کارگران و زحمتکشان، زنان و اکثریت مردم ایران به دلیل گرانی و فقر و فلاکت اقتصادی بی سابقه و محرومیت های اجتماعی مدت ها است که نبرد سنگر به سنگر و سرنوشت سازی را با رژیم جمهوری اسلامی آغاز کرده اند. در صورتی که رژیم جمهوری اسلامی وارد جنگ مستقیم با اسرائیل شود، طبقه کارگر و زحمتکشان و زنان آزاده ایران نه تنها مرعوب شرایط جنگی نمی شوند، بلکه مبارزات خود را برای به زیر کشیدن رژیم اسلامی سرمایه داران گسترش خواهند داد. رژیم جمهوری اسلامی اگرچه در شرایط کنونی گسترش جنگ و رودر روی مستقیم با اسرائیل را در راستای منافع خود و بقای نظام اسلامی نمی داند، اما با ادامه ماجراجویی ها و با ادامه جنگ نیابتی علیه اسرائیل عملا به برافروختن شعله های یک جنگ ویرانگر منطقه ای کمک می کند.

کارگران و زحمتکشان و توده های فرودست ایران در برابر این دو قطب ارتجاع سرمایه داری، در برابر جنگ افروزی های دولت اسرائیل و رژیم جمهوری اسلامی و در برابر آن بخش از نیروهای اپوزیسیون بورژوازی که به این جدال و کشمکش های ارتجاعی و به دخالت قدرت های خارجی امید بسته اند راهی جز ادامه و گسترش مبارزات خود و فراهم آوردن ملزومات سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی از طریق سازمانیابی صفوف خود پیش رو ندارند. کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی نه تنها چشم انداز روشنی را به روی جامعه ایران می گشایند، بلکه مردم منطقه را هم از شر جمهوری اسلامی نجات خواهند داد.



رژیم جمهوری اسلامی یا باید به جنگ نیابتی علیه اسرائیل در منطقه پایان دهد، یا در غیر اینصورت پیه جنگ مستقیم با اسرائیل را بر تنش مالد. اما علاوه بر اهداف فوق دولت اسرائیل با تعیین مهمان سرای سپاه پاسداران در شمال تهران به عنوان محل انجام عملیات، رژیم جمهوری اسلامی و کادر رهبری سپاه پاسداران را شدیداً و به طور بی سابقه ای تحقیر کرد و ضعف و درماندگی دستگاه امنیتی آن را نه تنها



به ناظران سیاسی، بلکه به افکار عمومی که روزانه اخبار مربوط به جنایات این رژیم در داخل ایران را تعقیب می کنند نشان داد. اگر چه وجود خلاء امنیتی در سازمانهای امنیتی دولت های حاکم در کشورهای مختلف منطقه امری محتمل است، اما اینکه دولت اسرائیل در سالهای اخیر توانسته چندین دانشمند هسته ای وابسته به رژیم اسلامی و اسناد مربوط به برنامه های هسته ای آن را مصادره و اکنون اسماعیل هنیه را در مهمان سرای سپاه پاسداران در تهران ترور کند، بیانگر آن است که فساد نهادینه شده در ساختار حاکمیت جمهوری اسلامی، سازمان امنیتی این رژیم را نیز در خود فرو برده و آن را از بیش از پیش از "اعتبار و اقتدار" ساقط کرده است. به طوریکه هم اکنون در حالی که گمانه زنی ها در مورد چگونگی ترور اسماعیل هنیه ادامه دارد، خبرهای منتشره حاکی از آن است که تا کنون بیش از بیست نفر از افسران و فرماندهای سپاه پاسداران در این رابطه دستگیر شده اند.

این روزها رژیم جمهوری اسلامی زیر فشار تعرض تحقیر کننده دولت اسرائیل در رابطه با نحوه واکنش در برابر این تهاجم آشکار شدیداً در تنگنا قرار گرفته است. برای سران و فرماندهان سپاه پاسداران روشن شده است که پرتاب صدها موشک و پهباد به اسرائیل در جریان "عملیات صادق" نتوانسته دولت اسرائیل را از تعرض به جمهوری اسلامی در تهران باز دارد. جمهوری اسلامی در شرایطی که از جنگ مستقیم و همه جانبه با دولت اسرائیل هراس دارد و آن را در راستای بقای خود و منافع طبقه حاکم در ایران نمی داند، اما خود

ترور اسماعیل هنیه رهبر حماس در مهمان سرای سپاه پاسداران در شمال تهران توسط دولت اسرائیل رژیم جمهوری اسلامی را در تنگنای جدیدی قرار داده و خاورمیانه را با خطر جنگی خانمانسوز روبرو داده است. هنیه در رأس یک سازمان تروریست اسلامی بود که قربانی تروریسم دولتی رژیم فاشیست اسرائیل شد. این عملیات تروریستی در امتداد سیاست ها و جنگ و اشغالگری دولت اسرائیل علیه ملت فلسطین است که بیش از هفتاد و پنج سال است با حمایت و پشتیبانی بی دریغ آمریکا ادامه دارد. تروریسم دولتی بخشی از سیاست راهبردی رژیم نژادپرست اسرائیل برای نابودی ملت فلسطین است و تاکنون صدها نفر از رهبران و فرماندهان سازمانهای سیاسی فعال در فلسطین طعمه این تروریسم شده اند. دولت اسرائیل مدت ها است که با ترور رهبران و فرماندهان حماس، بنیادگرایی و تروریسم گروه های اسلام سیاسی را دامن می زند، تا به بهانه مقابله با همین گروه های اسلامی نقشه راهبردی اشغال کامل سرزمین های فلسطین و نابودی ملت فلسطین را پیش برد. دولت اسرائیل به بهانه مقابله با تروریسم سازمان حماس بیش از ده ماه است که جنگ نسل کشی علیه ملت فلسطین در نوار غزه را ادامه می دهد و با کشتار ده ها هزار نفر و بمباران زیرساخت های اقتصادی و سکونت گاه ها، این باریکه را در معرض خطر نابودی قرار داده است.

نتانیاهو که بقای دولت دست راستی خود در قدرت سیاسی را در گرو ادامه جنگ و نسل کشی می بیند اهداف چند گانه ای را از انجام عملیات ترور اسماعیل هنیه تعقیب می کند. یکی از اهداف کوتاه مدت او، به بن بست رساندن مذاکرات آتش بس در غزه به میانجیگری دولت های قطر و مصر و جلوگیری از بازگشت حماس به موقعیت قبل از عملیات موسوم به "طوفان الاقصی" است. بعد از ترور اسماعیل هنیه، "خلیل الحیه" از مسئولین سازمان حماس در مراسم تشییع اسماعیل هنیه در تهران گفت: «با وجود خون و خونریزی صحبت از توافق و آتش بس بیهوده است. اسرائیل با ترور اسماعیل هنیه همه چیز را پایان داد». از سوی دیگر دولت اسرائیل در ادامه عملیات هوایی علیه حوثی ها در خاک یمن که بخش هایی از ذخایر سوخت و انرژی این گروه را نابود کرد، و بمباران مرکز وابسته به حزب الله در بیروت که منجر به کشته شدن "فواد شکر" از فرماندهان ارشد این گروه شد، اینبار با ترور اسماعیل هنیه در تهران خواست این پیام را به فرماندهان سپاه پاسداران برساند که دوره جنگ نیابتی به پایان رسیده است.

## اطلاعیه نمایندگی کومه‌له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

### بمناسبت درگذشت مادر فوزیه حسامی

نسبت به اعضا و دوستان کومه‌له او را به مادری والا و قابل احترام برای همه آنان تبدیل کرده بود. نمایندگی کومه‌له در خارج کشور درگذشت دایه سید زاده گرامی را به فرزندان عزیزش رفقا طه، سهند، محسن، مریم، مهدی، کردستان و آرش، و همچنین به رفیق علی شاهکار و همه اعضا خانواده‌اش تسلیت می‌گوید و خود را در غم و اندوه از دادن ایشان شریک می‌داند.

نمایندگی کومه‌له - سازمان کردستان  
حزب کمونیست ایران، در خارج کشور  
سوم ماه اوت ۲۰۲۴

بر اثر بیماری در شهر کلن آلمان دیده از جهان فروبست. این مادر رنج دیده همدوش همسر مبارزش (سید محمد حسینی)، همانند اکثریت مردم کارگر و زحمتکش تهیدست کردستان فرزندان دلبندهش را در دامان پر مهر و محبتش پرورده کرد. سید محمد مشهور به (سید محمد کمونیست) همسر دایه سید زاده که در زمان رژیم پهلوی به جرم فعالیت سیاسی دستگیر و زندانی شده بود، در دوره قیام و پس از آن نیز به فعالیت سیاسی خود در رابطه با کومه‌له ادامه داد. فضای سیاسی و مبارزاتی حاکم بر خانواده فرزندان دلبندهش را نیز با گرایش سیاسی چپ و رادیکال پرورده کرد. در خانه کوچک و کارگری آنان در روستای "کوستانه" اطراف بوکان همیشه به روی پیشمرگان کومه‌له باز بود. مهر و محبت دایه سید زاده



شنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۳  
با تأسف فراوان مادر فوزیه حسامی (دایه سید زاده) روز شنبه سوم ماه اوت مصادف با ۱۳ مرداد در سن ۸۶ سالگی



شماره ۴۵۴ "پیشرو"

نشریه کومه‌له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

به زبان کردی منتشر شد!

## در دفاع از آزادی فعالین کارگری در بند

کارزار سیاسی دفاع از آزادی بدون قید و شرط شریفه محمدی را به کارزار دفاع از آزادی ریحانه انصاری نژاد، رضا شهابی، داود رضوی و همه فعالین کارگری و معلمان در بند و زندانیان سیاسی تبدیل کنیم. تشدید فشار علیه فعالین کارگری در اصل یک تهاجم بازدارنده برای مقابله با خطر گسترش اعتراضات کارگری و توده ای است. برای مقابله با تهاجم برنامه ریزی شده رژیم راهی جز گسترش مبارزه برای آزادی کارگران در بند و آزادی کلیه زندانیان سیاسی وجود ندارد. باید جلو درب زندان ها را به محل ابراز همبستگی با اعتراض خانواده‌های کارگری و خانواده زندانیان سیاسی برای آزادی این عزیزان تبدیل کرد. در خارج کشور نباید هیچ فرصتی را برای برپایی کارزارهای سیاسی و تبلیغی به حمایت از فعالین کارگری در بند و زندانیان سیاسی و فشار بر رژیم جمهوری اسلامی از دست بدهیم.

